

نابرابری اجتماعی (۴ از ۴)

زندگی اجتماعی انسان، **دو وجه** دارد:

از **سویی** افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر، **جهان اجتماعی** و ساختارهای آن را می‌سازند.

از **سوی دیگر** هر جهان اجتماعی **الزامها** و **پیامدهایی** دارد که زندگی انسان‌ها را متأثر می‌سازد.

تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق **مشارکت اجتماعی** افراد پابرجاست، **پیامدهای** آن نیز باقی است.

با تغییر جهان اجتماعی **موجود** و به دنبال آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی **جدیدی** شکل می‌گیرد و **پیامدهای** دیگری به دنبال می‌آورد.

همواره این امکان وجود دارد که یکی از این **دو وجه** زندگی اجتماعی بیشتر مورد **توجه** و تأکید قرار گیرد و **وجه** دیگر آن نادیده گرفته شود؛

برجسته کردن یک وجه زندگی اجتماعی و **تأکید** بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر، می‌تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی اجتماعی به وجود بیاورد.

جامعه‌شناسان انتقادی به این نکته مهم توجه داشتند. آن‌ها همانند جامعه‌شناسان تفسیری بر **توانایی** و **خلاقیت** افراد در ساختن جهان اجتماعی **تأکید** می‌کنند؛ اما کم‌توجهی **رویکرد تفسیری** به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد را درست نمی‌دانند.

جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند گاهی **جهان اجتماعی** و ساختارهای آن که به دست خود انسان‌ها ایجاد شده‌اند، سازندگان خود را زیر **سلطه** در می‌آورند.

بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آنها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آنهاست؛ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی را ناممکن می‌سازد و در نتیجه امکان کنترل آثار مخرب آنها از دست می‌رود.

مهم‌تر این‌که گاهی پیامدهای معناها و اراده‌های فرد یا گروهی بر فرد، گروه یا فرهنگ دیگری تحمیل می‌شود.

گاهی معناها، ارزش‌ها و ساختارهایی که گروه یا قومی می‌سازند گروه یا قوم دیگری را زیر سلطه خود در می‌آورد و سرکوب می‌کند.

جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری کنند و زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر را فراهم آورند.

جامعه‌شناسی انتقادی به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد.

جامعه‌شناسی انتقادی با پذیرش رویکرد تفسیری معتقد است که تمام معانی و ارزش‌ها ساخته و پرداخته اراده‌های افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌هاست.

هر فرد، گروه و فرهنگی اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزش‌های ویژه خود را خلق می‌کند. هیچکدام بهتر یا بدتر از دیگری نیستند یا هیچکدام درست یا غلط و حق یا باطل نیستند.

رویکرد انتقادی هیچگونه حقیقت یا فضیلتی را کشف نمی‌کند تا براساس این حقایق و فضایل به نقد کنش‌ها و روابط میان انسان‌ها و جوامع بپردازد. بلکه برای دفاع از اراده افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها معتقد است، نباید اراده فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند.

اگر چنین اتفاقی رخ دهد و اراده فرد یا گروهی **سرکوب گردد**، مصداق سلطه است و باید به **انتقاد** از آن پرداخت.

موضوع جامعه شناسی انتقادی: کنش انسان و پیامدهای آن

روش جامعه‌شناسی انتقادی: تفسیری ، انتقادی و تجویزی

هدف جامعه‌شناسی انتقادی : انتقاد ازوضع موجود و **تجویز** وضع مطلوب راه رسیدن به آن

مدرسه مجازی اینو